

حسابگران جمعیت



گفت و گو با دکتر حساب کلام در مورد جمعیت روز تشییع + با سلام. با شما هستیم با برنامه مترز جمعیت. آقای دکتر حساب کلام چند روز پیش تعداد جمعیت کسانی که برای تشییع شهدای خدمت اومده بودند رو بسیار کمتر از عددی که حکومت گفته بود حساب کرده بودند. آقای دکتر در خدمت شما هستیم.

منم-سلام عرض می‌کنم خدمت شما. همین اول برم سر اصل مطلب. اینجا به اتاق ۱۲ متریه و ما دو نفریم. چطور حکومت میگه تو اون فضا چند میلیون نفر جا شده؟ +البته جناب دکتر. الان فیلمبردارا و کارگردان و گرمور و منشی و صحنه و گروه خدمات و نورپرداز و صدابردار و بچه‌های تدوین و چند نفر دیگه از عوامل هم هستن. ولی درست می‌فرمایید. -بله بعضی‌ها گیر دادند که تو یک متر آسانسور ما چهار نفر جا می‌شیم. خب شما جا می‌شید؟ من تنها هم جا نمی‌شم. بحث شکمم هم نیست. تنگی نفس می‌گیرم. +درست می‌فرمایید. جناب دکتر نظرتون در مورد تصاویر راهپیمایی ۲۲ بهمن و روز قدس چیه؟ چون مردم ظاهرا زیاد با محاسبات شما دوستانه برخورد نکردن! -خیر! امسال هم تصاویر سال گذشته پخش شد. مثل هر سال! +خب پس طبق گفته شما احتمالا حکومت تدوین بلد نیست و یک سال طول می‌کشه کار تدوین قبلی‌ها تمام بشه. -شاید. اما با توجه به مترز مسیر و همان‌ها که در مورد مراسم شهدای خدمت گفتیم حدود ده هزار نفر. مک.

+یعنی یک نفر هم بالا و پایین نه؟ -بله. کار ریاضی دقیقه. خیلی دقیق. سال بعد هم کمتر می‌شه! +کمتر که فکر نکنم ولی احتمالا تا اون موقع شما هم کار با فوتوشاپ رو یاد بگیرید و دستی توی تصاویر برید. به سوال دیگه. خودتون از نزدیک هم دیدید؟ -خیر. من که قرار نیست یکی از اون حساب بشم. ضمنا من ته تلخ خیار رو می‌خورم که تا اشغالی نرم... چی می‌گی تو؟ +خب نظرتون درباره اربعین چیه؟ اصلا محاسبات رو برای ما انجام بدید تا ما هم یاد بگیریم و گول رژیم رو نخوریم. - اونجا هم ما محاسبات دقیقی انجام دادیم از اونجایی که مسیر ۸۰ کیلومتر هست و جاده‌ها نسبت به ایران باریک هستند و در هر ۲ متر مربع یک نفر جا میشه پس حدوداً ۱۶۰ هزار نفر توی این راهپیمایی شرکت کردند. +این عدد با ارقامی که رژیم می‌گه خیلی متفاوت. -بله خب رژیم میگه اینا به جا واستاده نیستند. از این طرف میان و به اون طرف میرن. لذا هر دقیقه ۱۶۰ هزار نفر و به طور کلی ۱۶۰ هزار ضرب در دقایق چند روز. +نظرتون راجع به تعداد براندازها چیه؟ -اونو چون پارسال سیو نکردیم هی از اول میدادیم اگر نه ما چند میلیارد هشتک زدیم. کم کمش یک میلیارد نفر هستیم. +ممنون هستیم از آقای حساب کلام. بعد از دیدن پیام‌های بارزگانی با شما خواهیم بود.

برای هفته بدون دخانیات

دودو

چوادر محمدی

یار سیریش من ای دو درودا درودا
تا قیامت می‌توان از تو سرود
سینه دارم شرحه شرحه از غمت
می‌شود آیا دمی یادت نبود؟!
آمدی توی تنم ساکن شدی
دادمت با جیب و دل اذین ورود
از دهان و خلق و شُش تا توی خون
رفته‌ای در بند بند این وجود
رنگ محبوب تو بادمجانی است
می‌زنی هر عضو را رنگ کبود
بویت از عمق طبیعت می‌رسد
بوی تو خاص است همچون بوی کود
پول دادم بپر تو پس می‌کنم
هی تو بی‌وقفه، دائم، بی‌رکود
حال توی بسترِ بیماری‌ام
گشته عمر و پول بنده دود، دود
ای که می‌خوانی! ز من عبرت بگیر
دود غیر از اعتیادش نیست سود!

سیمای شرقی

دهانه شاعر

سوختگی ۹۰ درصدی هفته
جنبش زرا و سایر اپوزیسیون که دو سال سعی کردند بدون جمهوری اسلامی حمایت مردم رو نذاره ولی حضور چندمیلیونی مردم معادلاتشون رو بهم زد؛ خلاصه مطلب اینکه دماغ سوخته با هر گرایش اپوزیسیونی خریداریم.

ضد انقلاب و اپوزیسیون که با دیدن تشییع میلیونی رئیس‌جمهور شهید برق از کله‌شون برید. برای اینکه به جوری این حضور رو نذاره و برانداز کولیس، مولتی‌متر و تراز برداشتند و دارند محاسبه می‌کنند توی یک متر خیابون چند نفر جا می‌گیرند.

تکرار نمی‌شود هفته
خاندوزی وزیر اقتصاد گفت: تجربه خزانه خالی رو برای دولت بعد تکرار نمی‌کنیم. جا داره دایه عامل بیاد بگه «تون پدر، شیر مادر حلال تون».

پاتونوش شاعرما

بی‌مزد بود و منت هر خدمتی که کردم
بدبختم و برانداز ارطی فروشم
دیوانه نیم من که روم خانه به خانه
دیوانه تر آن کس که رود سمت برانداز

قصه‌های چهار دیواری



ای خدایی که جای تو همه جاست
ای خدای چهاردیواری
خوش به حالت که نیستی چون من
مبتلا چهره‌دیواری
قصه‌های هزار و یک شب هست
ماجرای چهاردیواری
می‌نویسم قصایدی هر روز
در ثنای چهاردیواری
توی «دیوار» می‌دوم دائم
با به پای چهاردیواری
سایه‌ام را درسته می‌بلعد
ردپای چهاردیواری
کاش کش بود جنس دیوار
دلگشای چهاردیواری
همه جا می‌شدیم راحت در
جای جای چهاردیواری
کلبه دنج و شاعرانه ماست
انتهای چهاردیواری
بهتر از کیمیای مس باشد

این صدای ایران است

نیلوفر نوبدی

آگه حرف نزنم، میگن لالم!

آشنایی با گروه‌های مختلف ساکن در فضای مجازی اردیبهشتی که گذشت، یکی از آن ماه‌هایی بود که تا همیشه در یاد تقویم‌ها می‌ماند. شهادت رئیس‌جمهور و همراهان‌شان جزو آن دسته از اخباری بود که در تمام جهان پیچید و مثل همیشه سر و صدای بسیاری در فضای مجازی بلند کرد. در چند سال اخیر در فضای مجازی، ما با پدیده عجیبی به نام «آگه حرف نزنم، میگن لالم» روبه‌رو شده‌ایم. در این پدیده، افراد کنترل زبان خود را از دست داده و راجع به علف درآمده کنار ستون برق سر کوجه‌شان نیز به گونه‌های مختلف اظهار نظر نموده و در صورتی که از قافله تئویت‌زن‌ها و استوری‌گذاران عقب بمانند؛ احساس خفگی می‌کنند. در این مطالب می‌خواهیم با افرادی که درگیر این پدیده هستند، آشنا شویم.

دسته اول: انسان‌ها
انسان‌ها، انسانند. یعنی به اندازه حرف می‌زنند تا در حرف‌های‌شان گیر نکنند. افراد این گروه، همان آدم‌هایی هستند که قبل از نوشتن یک پست، کامنت، تئویت و یا هر چه، نفس عمیقی کشیده و سپر آهنین پوشیده و خود را برای شنیدن همه جور کلماتی از زبان طرفداران آزادی بیان آماده می‌کنند.

دسته دوم: مخالفان
این گروه از افراد، با همه چیز مخالفند. آنها مخالفان خورشید در روز و ماه در شب هستند و همواره معتقدند اگر این چیزی که بود، بهتر بود. حالا کار ندارند که آن چیز دیگری که باید می‌بود، چه باید باشد؟ از مشخصات بارز این دسته از افراد، گذاشتن استوری‌هایی با گرفتن امتیاز گذاشتن بیشترین استوری یا بی‌ربط‌ترین محتوا به واقعه اتفاق افتاده با پوششی است که در مصرف پارچه آن صرفه‌جویی شده باشد؛ چرا که نهایت همه اتفاق‌ها در کشور زیر سر قانون حجاب است و بی‌لباس بودن همه مشکلات و معضلات آنها را حل می‌کند.

دسته سوم: روشنفکران
تا به حال فکر کرده‌اید چرا در راهپیمایی‌ها، خیابان‌ها شلوغ است؟ چرا برخی پرچم را در دست راست و برخی دیگر در دست چپ می‌گیرند؟ چرا همه یک شعار را تکرار می‌کنند؟ چرا کف دست‌شان با مازیک مشکی چیزی می‌نویسند؟ چرا سایه درختان سمت راست بیشتر از سمت چپ است؟ و...
اینها همه سوالاتی است که یک روشنفکر نسبت به آنها نظر و نقد دارد. آنها موافق

اما دقیق‌ترین پاسخ دو هفته پیش به سوال اینکه به نظراتان موضوع کتاب عادت‌های اتمی چیست و چه محتوایی دارد؛ این کتاب موضوع خاطره‌نگاری دارد و در آن خاطرات اوپنهایمر، مخترع بمب اتم نوشته شده است.

مخدومحسین صادقی

بازی ندیدنی راه‌راه

این هفته و در پی اتفاقات هفته گذشته، بیایید با هم خودمان را به ندیدن بزنیم!
تلاش رئیس‌جمهور شهید برای ارتباط داشتن بیشتر با مردم؛ نمی‌بینیم چون قرار نیست ایشان الگو واقع شود، شاید روزی خودمان هم رئیس‌جمهور شدیم و خب آن موقع سخت‌مان می‌شود. ساده‌زیستی؛ این موضوع اساسا نباید دیده شود زیرا نباید اینکه مسؤولان جمهوری اسلامی در ناز و نعمت هستند از ذهن مردم پاک شود. این کار را می‌شود با قیمت‌گذاری روی لباس‌هایی که در سفر آخر پوشیدند انجام داد.
افتتاح بیشتر از کنگل‌زنی؛ اگر این موضوع را ببینیم آن وقت شاید بقیه هم به فکر این کارها بیفتند و بالاخره روزی می‌رسد که همه پیمانکاران بیکار می‌شوند چون دیگر طرحی کنگل‌زده نشده است.

کلید زدن ساخت انبوه مسکن؛ این موضوع را نمی‌بینیم چون ایشان فرصت نکردند به قول‌شان

- پشت فرمان ماشین نشسته و سعی دارند شما را راهنمودها و نفوذ کلام‌شان به راه راست هدایت کنند. جهان فضای مجازی بدون حضور روشنفکران تاریک است!

دسته چهارم: زرنگان

شب‌ها که شما می‌خواهید، زرنگان بیدارند. شما در خواب ناز هستید و آنها به دنبال شکارند. این دسته از افراد همیشه آن بعدی از ماجرا را می‌بینند که هیچکس نمی‌بیند. اینها همان‌هایی هستند که دریافتند هر اتفاقی درون مرزهای جغرافیایی ایران زمین، کار خودشان است. برای مثال در حادثه اخیر که گذشت، آنها به راحتی فهمیدند سانحه بالگرد ریاست جمهوری نیز کار خودشان است و آن ابر را خودشان در لحظه به آن منطقه فرستاده بودند و کاملا حساب شده، آن روز همه جا مه بوده و حتی ابرها را نیز دقیقاً برای همان زمان بارور کرده بودند تا ببارد. سپس در مراسم تشییع، خودشان آن سیل بازیگر را با هزینه هنگفت راهی خیابان کردند تا بگویند ما طرفدار زیاد داریم.

دسته پنجم: آینده‌نگران

این آدم‌ها به آینده نمی‌نگرند؛ بلکه در هرنفس نگران آن هستند. آفرین! دقیقاً! اینها همان‌هایی هستند که با نام باران به صف پمپ بنزین می‌روند و از بدبختی گران شدن دلار فردا استوری می‌گذارند. نگران‌ها، خیلی سال را با اینها تنها بگذارند؛ منتها مقصد مشخصی ندارند و در نهایت به دلیل کمبود فضای راحت در ماشین و پارک کنار خیابان، صبح به منزل خویش بازمی‌گردند. آینده نگران، نه سکه دارند و نه دلار و نه طلا ولی همیشه با رخ دادن هر اتفاقی، نگران بالا و پایین رفتن بازار جهانی مانده و هشدار سایه سیاه بدبختی را به همگان می‌دهند. نتیجه می‌گیریم...
برای فهم حقیقت ماجرا در یک اتفاق و حادثه، خیلی راحت وای فای یا اینترنست همراهات را خاموش کنید و به خیابان بروید و ببینید که هنوز شهر در دست شهروندان است و زندگی در جریان!

زمان، زمان احساس تکلیف است / فال حافظ از اشعار عطار!

هزاران صنعت و اسرار و تعریف هزاران امر و نهی و حکم و تکلیف بنا بر عقل توست و این تمام است
ازین روشن‌تر هرگز چه جام است ای صاحب فال! واضح است که زمان، زمان احساس تکلیف کردن تو هست مخصوصا که همه عرصه‌ها را به راحتی می‌توانی آباد کنی مثل عرصه صنعت، خودروسازی، پرآید، صف قرعه‌کشی، سامانه یکپارچه دوپارچه و...
یا حتی می‌توانی رئیس ستاد امر به معروف و نهی از منکر شوی و رشوه‌بگیران و اختلاسگران را سر و ته کرده و از پا آویزان کنی!
وانگهی زمان ورود به عرصه مدیریتی خیلی بالا در حد ریاست جمهوری فرا رسیده است، چه نشسته‌ای که شاعر

حافظ | مخدومحسین صادقی

دیشب صدای تیشه از بیستون نیامد
شاید برای تشییع فرهاد رفته باشد

در کوی نیک‌نامی ما را گذر ندادند
گفتند این برانداز در پشت در بماند

حافظ | دیبم حسینی



سید محمد سالم | عباس باوری

سارقان محترم لندنی که در اقدامی کاملا حرفه‌ای سنگ فرش‌های خیابان این شهر رو به سرقت بردند از این رو از شهروندان لندن می‌خواهیم قفل فرمونی، زنجیری، سیستم ضدسرقت برای امنیت سنگ فرش‌هاشون در نظر بگیرند.

استاد شیطون هفته
ننانیاهو که بعد از بمباران شهر رفح گفت: بمباران رفح اشتباهی فاجعه‌بار بود.
یک جوری مظلوم‌نمایی می‌کنه که انگار یکی دیگه دستور این کار رو داده. در ادامه شیطون هم اومد گفت: بابا شیطون تویی من ادات رو در میارم!

حافظ | مخدومحسین صادقی

ما آموده‌ایم در این شهر بخت خویش
محبوب ملتیم، برانداز! کیش کیش!!

سینه از آتش دل، در غم جانانه بسوخت
خانگی آمد و خوشحال گفتا آخ جون

حافظ | دیبم حسینی

چو بد زدم هفته
چو بد زدم هفته

پنجشنبه ۱۰ خرداد ۱۴۰۳
وطن امروز | شماره ۴۰۵۱
راه راه

مبنی بر ساخت ۴ میلیون مسکن عمل کنند هرچند مقدمات تهیه بیش از ۴ میلیون مسکن را آماده کرده باشند.
دیپلماسی فعال و سفرهای دورهای به کشورهای دیگر: آمار این کشورها و تعداد کم سفرهای اروپایی ایشان برای ندیدن این موضوع دلیل مناسبی است.
حالا شما بگویید: به نظراتان موضوع کم‌شدن تورم و تلاش برای جلوگیری از خلق پول در سیستم بانکی را چگونه و چرا می‌توان ندید؟

شما می‌توانید پاسخ خود را از طریق کیوارکد رو به رو لینک
https://survey.porsline.ir/s/HXrHQaT
برای ما ارسال کنید. دقیق‌ترین پاسخ در شماره آتی ویژه‌نامه منتشر خواهد شد.

فریبا زینبی

ابراهیم

نماد بت‌شکن در طول دوران بود ابراهیم
تبر بردوش و در صف مرد میدان بود ابراهیم
چنان سرو کهن که ریشه در خاک وطن دارد
الف قامت میان باد و بوران بود ابراهیم

به دنبال سر ماران خفته در دل فتنه
نماد نه به خواهش‌های شیطان بود ابراهیم
برای دست‌های پینه بسته از کویر فقر
چنان ابر پر از سوغات باران بود ابراهیم
به گوش خستگی می‌خواند تا قلعه کمی مانده
به روی خستگی‌ها خط بطلان بود ابراهیم
نشان داد آخرش حتی ریاست نیز سرباز نیست
همیشه پای پیمان پای پیمان بود ابراهیم

کوی شیخون

سیمه فریانی

چشتون در آد

اسم من جنین است؛ همان که توی شکم مادرش لول شده و توی فیلم‌ها می‌می‌گویند «لگد زد» شاید یکی از دلایلی که هی لگد می‌زنیم، تنگی دریچه قلب‌مان باشد. بالاخره ما هم برای خودمان مشکلاتی داریم. مرض نداریم هنوز تربیت نشده، به مادرمان بی‌ادبی کنیم؛ خیلی از جنین‌ها به خاطر همین مشکل قلبی به دنیا نیامده بلیت‌شان برگشت می‌خورد. خیلی‌های‌شان هم بعد از چند سال، دوباره چمدان‌شان را می‌بندند. این تنگی دریچه خیلی بین ماها شایع است. مثل دریچه کولر هی باید چک شود. شاهدش همین فیلم و سریال‌های خودمان؛ زوج خوشبختی با هم می‌روند سونوگرافی و با دیدن ما توی مانیتور کلی ذوق مرگ می‌شوند اما یکدفعه با حرف دکتر کوفت‌شان می‌شود (این صحنه‌های حال‌گیری در سینمای ایران رایج است). در آن لحظه حساس، دکتر بدون اینکه سرش را تکان بدهد، می‌گوید: «متأسفانه قلب بچه مشکل داره، برای آلبندی به سریال می‌نویسم برید پیش یه دکتر قلب».

تا چند سال قبل فقط جنین‌های چند کشور دنیا خیلی شیک و مجلسی داخل شکم مادرشان عمل می‌شدند اما چند ماهی می‌شود در ایران هم ما را داخل شکم مادرمان عمل می‌کنند؛ اول یک سوزن از شکم مادر (درست محل لگد) وارد قلب می‌کنند و یک بالن توی قلب میلیمتری ما کار می‌گذارند. لطفاً اگر خواستید این را برای یک غرب‌زده تعریف کنید، احتیاط کنید؛ ممکن است قلبش یک جوری بگیرد که با بالن تفریحی هم نتوان بازش کرد. برعکس این دوستان، بقیه ایرانی‌ها انقدر پیشرفت دیده‌اند که نه تنها شاخ در نمی‌آورند بلکه می‌پرسند: «خبر جدید چی داری داداش!»

ضمیمه طنز راه راه کاری از

دبیر سرویس نشر: رامین زارعی
دبیر سرویس شعر: فرشته پناهی
دبیر سرویس کارتون: سید محمدجواد طاهری
صفحه‌آرا: فاطمه احمدی

راه‌های ارتباطی
https://zil.link/bashgahtanz

مجموعه رسانه‌های باشگاه طنز و کاریکاتور انقلاب اسلامی

حافظ | دیبم حسینی